

فصل سوم

ویژگی‌های فرهنگی استان مازندران



فرهنگ و اهمیت شناخت آن

ساده‌ترین تعریف از فرهنگ عبارت است از روش زندگی که انسان‌ها برای برآوردن نیازهای اجتماعی خود برمی‌گزینند. مردمانی که دارای زبان و آداب و سنن مشترک هستند و در یک محدوده جغرافیایی زندگی می‌نمایند یک گروه فرهنگی واحد را تشکیل می‌دهند.



شکل ۱-۳- جشن تیرگان

در گوشه و کنار استان ما نیز آداب و رسوم متنوع و بسیار جالبی وجود دارد که ما همه علاقه‌مندیم بدانیم مردم در شهر و روستاهای استان ما چگونه زندگی می‌کنند؟ چه زبان، گویش و لهجه‌هایی بین آنها رایج است؟ چه باورها و اعتقاداتی آنها را به انجام آداب و رسوم خاصی سوق می‌دهد؟ در این درس با چکیده‌ای از ویژگی‌های فرهنگی استان مازندران بیشتر آشنا می‌شوید.



فعالیت



– چرا باید ویژگی‌های فرهنگی محل زندگی مان را بشناسیم و در حفظ، گسترش و تعمیق آن بکوشیم؟ سه دلیل ذکر کنید.

–۱

–۲

–۳

– نظرتان دربارهٔ جملهٔ من به مازنی بودنم افتخار می‌کنم، چیست؟ تا به حال به این جمله فکر کرده‌اید؟

زبان^۱ و گویش^۲ و لهجه^۳ مردم مازندران

گویش طبری (مازندرانی) که از گویش‌های کهن ایران است، زمانی متعلق به یکی از حوزه‌های پربار زبانی کرانه‌های جنوبی دریای خزر و بخش گسترده‌ای از شمال ایران بوده است. این گویش به علت تغییرات آوایی به وجود آمده در برخی از واژه‌ها، به لهجه‌های گوناگون تبدیل شده است. حضور تیره‌ها و طوایف مهاجر به منطقه، به ویژه مناطق جلگه‌ای و ازدواج مردم بومی با مهاجران و همچنین گسترده‌گی رفت و آمدهای بومیان با مردم سایر مناطق استان و کشور رواج گستردهٔ رسانه‌های گروهی متکی به زبان امروزی پارسی و نفوذ واژگان نواحی هم جوار در محاوره‌های مردم، گویش جلگه‌ها را با دیگرگونی‌های آشکاری نسبت به چند دههٔ قبل همراه ساخته، اما این تغییرات در میان کوه‌نشینان شمالی البرز مرکزی، کمتر به چشم می‌خورد. در واقع گویش مازندرانی در این منطقه اصیل‌تر و پربارتر باقی مانده است. زبان قدیم اهالی قسمت جنوبی دریای خزر و جبال طبرستان، پهلوی بوده و به این زبان تکلم می‌کردند و در حال حاضر هم در زبان مردم آن سامان کلمات و لغات بسیار است و بلکه می‌توان گفت نیمی از تمام کلمات و لغات آنها پهلوی است. هم‌اکنون گویش‌های مختلفی در زبان مردم مازندران رایج است که بررسی‌های انجام شده وجود ۱۴ گویش و زبان مختلف شامل مازندرانی، فارسی، ترکی، بلوچی، ترکمنی، کردی، زابلی، تاتی، عربی، گوداری، روسی، کتولی، افتری و لری را در این منطقه روشن می‌سازد که این خود دلیل مهاجرت‌های زیادی است که در این ناحیه و این استان صورت گرفته ولی به طور کلی زبان اصلی این استان فارسی با گویش مازندرانی است.

شعر در مازندران

در بسیاری از این سروده‌ها شاعران مازندرانی به ارتباطات اجتماعی و زندگی روزمره مردم این دیار اشاره شده است. شاعران مازندرانی بسیاری نیز در این دیار زندگی می‌کردند.

۱- زبان، مجموعه‌ای ساختارمند از گویش‌هاست که بین آنها تفاهم متقابل وجود دارد.

۲- گویش، صورت تغییر یافته‌ای از زبان است. همین‌طور نحوهٔ بیان مقاصد در محل خاص است.

۳- لهجه، فضای واسط میان یک گویش و یک زبان است.

بیشتر بدانیم



نمونه‌ای از سروده‌های محلی مازندرانی

بیه شو، ونه بورم، بزمن پا، صحرا ره
ها کنم داد، بزمن ونگ، برانم خی هاره
بی چراغ سو، داس گرمه دوش
در کمبه تا شو پر بی تره
انده شومبه راه، انده زمبه ونگ، تلاخونس تا سر بی تره
خدایا کی بونه فرو بوره شو، راه دکفم بورم تا چشمه لو
شه دسو و دیم و لنگ بزمن او، بورم تخت ور خواها کنم خو
برگردان

شب شده باید بروم صحرا را زیر پا بگذارم و بگردم / داد کنم و فریاد بزمن و خوک‌ها را برانم / بدون روشنایی
و چراغ، داس به دوش بگیرم / مزرعه را دور بزمن تا شب پرواز کند / آنقدر راه می‌روم و داد فریاد می‌زنم / تا خروس
سحری آوازش را بخواند / ای خدا کی می‌شود که شب فرو بیفتد / تا راه بیفتم به کنار چشمه بروم / دست و صورت و
پایم را آب بزمن / و بروم کنار تختم بخوابم

بیشتر بدانیم



ضرب‌المثل‌ها و کنایه‌ها

– ضرب‌المثل‌ها جلوه‌های ارزشمند فرهنگ مردم مازندران است که در درون خود رویدادهای تاریخی،
تجارب، هنجارها و ارزش‌های جامعه را در بر می‌گیرد و از نسلی به نسلی دیگر انتقال می‌یابد. این جملات به‌طور
مختصر و کوتاه با آفریده‌ای از طنز و کنایه، مطالب آموزنده را به‌طور مستقیم به مخاطبان خود انتقال می‌دهد. در زیر به
نمونه‌هایی از این ضرب‌المثل‌ها در مازندران اشاره می‌شود.

– او خورنی، سرچشمه جه بخور.

– معنا: می‌خواهی آب بخوری از سرچشمه آن بخور



– کاربرد : دقت در درست انجام دادن کارها و فعالیت.

– آدم شه مرگ و نه مردم جنازه سر بوینه

– معنا : انسان می‌بایست مرگ خود را بر روی جنازه دیگر مردم ببیند.

کاربرد : عبرت‌گیری و عاقبت‌اندیشی.

– گل خوانی بئیری، دماوند سر گل بئیر

– معنا : اگر گل یا خاک می‌خواهی از سر کوه دماوند بگیر.

فعالیت

شما هم می‌توانید با کمک دبیر مربوطه تعدادی از ضرب‌المثل‌های محل زندگی‌تان را بنویسید.

موسیقی در استان مازندران

گستره موسیقی مازندران افزون بر استان مازندران تا شهرهای سمنان و دامغان نیز می‌رسد. بر همین اساس موسیقی منطقه مازندران را می‌توان به چند بخش جداگانه تقسیم کرد.

۱- موسیقی نواحی مرکزی مازندران : موسیقی این نواحی بر پایه اصیل‌ترین و کهن‌ترین نغمه‌ها و ملودی‌های چوپانی مازندران شکل گرفته است. محور اصلی موسیقی این بخش از سوی پنج مقام آوازی وزین و پر قدمت یعنی، طبری بلند، طبری کوتاه، کتولی بلند، کتولی کوتاه و میون کتولی و تعداد زیادی قطعه ساز چوپانی است. این مجموعه اساس موسیقی آوازی و سازی مناطق مرکزی مازندران را تشکیل می‌دهد.

۲- موسیقی شرق مازندران : امروزه این نوع موسیقی در نواحی میان دورود ساری تا کوهپایه‌های طبری زبان گرگان کاربرد دارد. مهم‌ترین ساز در موسیقی شرق مازندران دوتار است. هسته مرکزی موسیقی شرق مازندران دو مقام بزرگ هراتی است که ریشه در موسیقی ترکمنی و موسیقی شمال خراسان دارد. مضامین شعری در موسیقی شرق مازندران در برگرفته داستان‌های عاشقانه، روایت‌هایی از کوچ، مهاجرت و اندوه است.

۳- موسیقی غرب مازندران : موسیقی این مناطق بین چالوس تا غرب نشتارود و تا گیلان گسترده است و بیشتر با نواهای چوپانی همراه است. سازهای رایج این منطقه عبارت‌اند از : نی، سرنا، دهل. از معروف‌ترین آهنگ‌هایی که توسط این سازها نواخته می‌شود می‌توان به طالب اشاره کرد.

بیشتر بدانیم

امیری خوانی

مازندرانی‌ها رباعی‌های منسوب به امیری پازواری و دوبیتی‌های شاعران گمنام دیگر را به ترتیب امیری و طوری می‌نامند. امیری آوازیست که از گوشه عشاق دشتی شروع شده و به دستگاه شور فرود می‌کند. امیری خوان معمولاً از دانگ دوم و گاهی دانگ سوم نغمه خود را آغاز می‌کند، اما به ندرت امیر خوانانی هستند که از دانگ سوم شروع می‌کنند و به دانگ دوم و در نهایت به دانگ اول ختم می‌کنند.

امیری چون همه آوازهای مازندرانی تک تمی است و به کلمات و جملاتی چون علی جان و ای جان جان و به عنوان جمله مؤخره در پایان هر بیت یا هر بند ادامه می‌یابد. چنانچه خواننده یک بیت را در تم آواز بگنجانند امیری کوتاه را اجرا کرده و اگر دو یا چند بیت را در تم آواز بیاورد نوع بلند آن را خوانده است.

آواز امیری را معمولاً با همراهی «الله‌وا» (نوعی نی) می‌خوانند و گاهی هم از سازهای دیگر مانند کمانچه و دو تار بهره می‌جویند.

بیشتر بدانیم

بازی‌های محلی در استان مازندران



شکل ۲-۳- کشتی لوجو

دختران و پسران در سنین مختلف به انواع بازی‌های محلی می‌پردازند. برخی از این بازی‌ها شناخته شده‌ترند. تپ چو، تپله بازی، پرپر - کلاغ پر، هفت سنگ کا، چش بیته کا، لپ کا، آقوز کا. این بازی‌ها، سرگرمی سنتی اهالی مازندران، به خصوص مردم دهات و بیلاق این منطقه بوده است و تا حدود ۵۰ سال پیش، رایج‌ترین سرگرمی‌ها به حساب می‌آمده که در ایام بیکاری در ایوان خانه‌ها، منزلگاه‌های رمه‌ها و یا در مجالس شب‌نشینی‌ها و عروسی‌ها، اوقات فراغت را با این بازی‌ها پر می‌کردند. از مهم‌ترین این بازی‌ها می‌توان به کشتی لوجو اشاره کرد.



کشتی لوچو از کشتی های محلی استان مازندران است و در گذشته در مراسم عروسی اجرا می شد. اما امروزه در بعضی از نقاط استان این کشتی همه ساله در تابستان بعد از وجین شالی، هنگام فراغت کار روستاییان و یا اعیاد مذهبی و ملی برگزار می شود. جایزه برنده این کشتی یک رأس گاو است که توسط اهالی خریداری می شود. برای مسابقه دو نفر از کشتی گیران با تجربه به عنوان داور انتخاب می شوند، در این کشتی هرگونه ضربه زدن به بدن یا سر حریف، گرفتن انگشت، دست، سر و ضربه زدن به کتف و گرفتن گوش، خطا محسوب می شود. کشتی گیری که در یک دوره چند روزه، تمامی حریفان را شکست دهد، برنده مسابقه است. در طول برگزاری مسابقه، ساز و دهل نیز نواخته می شود تا شور و هیجان بیشتری به مسابقه بدهد.

پوشش سنتی مردم مازندران

نوع و چگونگی پوشش هر جامعه ای از ویژگی های خاص فرهنگی آن جامعه محسوب می شود. در مازندران هم به تناسب مناطق جغرافیایی و تنوع فرهنگی در هر منطقه انواعی از پوشش وجود داشت.



شکل ۳-۳- پوشاک سنتی زنان مازندران

در جدول های ۳-۱ و ۳-۲ به اختصار به انواع پوشاک زنان و مردان اشاره می شود.



جدول ۱-۳- انواع پوشاک زنان

پاپوش زنان	سرپوش زنان	تن پوش زنان
جوراب	چارقد	شلیته یا چرخنی شلوار
کوش	سراقوچ (نوعی کلاه زنانه)	نیم ساق
گالش	گیس بند یا موباف	جومه
چاروق	مندل (سربندی از جنس کتان)	نیم تنه
سریایی	مکنا	چادر شو
چکمه	روسری	کلیجه (چادر شب مربع شکل)



شکل ۴-۳- زنان روستا در حال بافت جوراب پشمی



جدول ۲-۳- انواع پوشاک مردان

پاپوش مردان	سرپوش مردان	تن پوش مردان
جرب یا جورب	کلاه نمدی	جومه یا جامه
کوش یا کلوش	کلاه گوشی	شلوار یا تمان
چاروق، سنتی ترین پاپوش این ناحیه	پوستین کلاه یا پوسته کلا	نیم تنه
چکمه	شب کلاه	تن پوشی دکمه دار یا جلقه
سریایی (دمپایی)	عرقچین	علیجه (معمولاً بلندتر از کت معمولی و تا نزدیک زانو)
	دستمال سر	شولا یا لم چقا



شکل ۳-۶- لباس محلی مردانه



شکل ۳-۵- بافندگی در روستاهای مازندران

غذا، نان و شیرینی محلی استان مازندران

مازندرانی‌ها همیشه به میهمان‌داری و میهمان‌نوازی مشهور بودند. غذا، تنوع و کیفیت آن در فرهنگ مازندران دارای اهمیت زیادی است. چند نمونه از غذاهای محلی مازندران در صفحه بعد اشاره می‌شود:

بیشتر بدانیم



- ۱- آغوز مسما: خورشتی که از گردو، مرغ، ترشی انار درست می‌شود.
- ۲- دو آش: نوعی آش که با برنج و سبزی و کدو و دوغ محلی درست می‌شود.



شکل ۸-۳- تصویری از بخت و پز سنتی



شکل ۷-۳- تلم، وسیله‌ای برای گرفتن دوغ و کره از ماست

- ۳- ناز خاتون: بادمجان کبابی و له شده که به آن آبغوره، ریحان، جعفری و سیر کوبیده اضافه می‌شود.
- ۴- کهی انار: کدوی پخته همراه باقلا و عدس پخته شده با گردوی ساییده و دانه انار، که سیر داغ به آنها اضافه شده و مخلوط آن را همراه پلو می‌خورند.
- ۵- آلو خرش: مرغ پخته که همراه با تخم انار، آلوی سرخ شده و پیاز داغ پخته می‌شود.
مهم‌ترین شیرینی‌های محلی استان مازندران
- ۱- آغوزنون: آرد گندم، شیر، تخم مرغ و شکر را با هم مخلوط کرده سپس لای خمیر را گردو می‌گذارند.
- ۲- پشت زیک: شکر یا قند را در یک قاشق آب حل کرده روی اجاق می‌گذارند بعد از آن یک قاشق روغن و مقداری کنجد به آن اضافه کرده مایه را در سینی می‌ریزند و به اندازه دلخواه برش می‌دهند.
- ۳- پیس گنده: این شیرینی شامل گردوی ساییده، شکر قرمز یا شیر خرمالو و آرد برنج سرخ شده و کنجد است.



بیشتر بدانیم



تهیه شکر قرمز به روش سنتی

در چند دهه گذشته به منظور تهیه شکر قرمز، کشت گیاه نیشکر در مناطق جلگه ای استان مازندران رواج داشته است. برای گرفتن شیره نیشکر و تبدیل آن به شکر قرمز از وسیله ای چوبی به نام کلیا که به ابتکار اهالی محل تمامی از چوب ساخته شده، استفاده می شود. به این منظور سرپناهی به ابعاد تقریبی ۵ در ۱۵ متر مربع با مصالح سنتی موجود در محل که بیشتر از نی و چوب بود برپا می شد و در وسط این سرپناه کلیا قرار می گرفت. این وسیله چوبی با نیروی محرکه، حیواناتی مانند گاو یا اسب به دور محوری حرکت دورانی داشته و در حین چرخش قطعات کوچک ساقه نیشکر در محلی به نام کلیادار فشرده شده و شیره نیشکر بر اثر فشار وارد شده به ساقه نیشکر، به وسیله لوله چوبی به نام سله به داخل ظرف چوبی به نام نوکا می ریخت و با جوشانیدن شیره نیشکر در دیگ های مخصوص پس از طی مراحل، شکر قرمز جهت مصارف غذایی تولید می شد.

بازارهای محلی استان مازندران

بازارهای روز و هفتگی، بازارهایی هستند که در آن کالاهای روزمره مردم عرضه می شود و تقریباً در کنار تمام بازارهای دائمی وجود دارد. خرید ارزان محصولات تازه توسط دست فروشان محلی از خصیصه های مهم این نوع بازارهاست و در حقیقت توسعه شهرنشینی در شمال ایران رابطه مستقیم با این نوع بازار دارد. بازارهای هفتگی در روزهای معینی از هفته تشکیل می شود و فروشندگان این بازارها عموماً دوره گردها هستند که اجناس خود را در ساعات اولیه صبح به این بازارها می آورند. کالاهای ساخته شده شهری به طور اخص و کالاهای روستایی به طور اعم در این بازارها عرضه می شود. بازارهای سنتی از گذشته رایج بوده است.

به طور خلاصه می توان خصیصه های ذیل را در این بازارها مشاهده کرد :

- ۱- ایجاد روابط اجتماعی و فرهنگی به دلیل روابط چهره به چهره
- ۲- رفع اختلافات محلی توسط ریش سفیدان از گذشته تاکنون



شکل ۹-۳- نمایی از بازارهای محلی در مازندران

مناسبت‌های خاص در استان مازندران

۱- نوروز خوانی: نوروزخوانان معمولاً پانزده روز قبل از فرا رسیدن عید نوروز به داخل روستاها می‌آیند و با خواندن اشعار در مدح امامان (ع)، طلعه سال نو را به مردم مژده می‌دهند. نوروزخوانان چند نفرند که یک نفر اشعار را می‌خواند، یک نفر ساز می‌زند، نفر دیگر به نام کوله کش یا بارکش به در خانه‌های مردم می‌رود. صاحب‌خانه نیز با دادن پول، شیرینی، گردو، تخم مرغ، نخود و کشمش از آنان پذیرایی می‌کند.

بیشتر بدانیم



اشعار نوروز خوانی

– بادبهارون بيمو / نوروز سلطون بيمو / مژده دهيد به دوستان / گل به گلستون بيمو . بهار آمد بهار آمد خوش آمد / علی با ذوالفقار آمد، خوش آمد / نوروزتان نوروز ديگر / شما را سال نو باشد موارک.

۲- عید نوروز: هنگام تحویل سال افراد خانواده دور سفره هفت سین که با ظرافت و سلیقه خاصی توسط زنان چیده شده، می‌نشینند و منتظر سال نو می‌شوند تا پدر و بزرگ‌تر خانواده دعای تحویل سال را بخواند.



شکل ۱۰-۳

در این روز غذای عید، که معمولاً سبزی پلو با ماهی است آماده می‌شود و علاوه بر آن غذایی به‌عنوان خیرات برای اموات می‌پزند و بین مردم پخش می‌کنند. در گذشته در غروب شب اول سال به این اعتقاد که چراغ خانه آنها همیشه روشن و نورانی باشد، به سر در خانه‌ها شمع یا شعله آتش آویزان می‌کردند.



بیشتر بدانیم

۳- مراسم تیرماه سیزده: از دیگر مراسم سنتی و رسمی مازندران تیرماه سیزده است که در اواسط آبان هر سال برگزار می‌شود. البته روایت‌های مختلف در مورد تیرماه سیزده وجود دارد.

در این شب همه خانواده کنار هم جمع می‌شوند و تا پاسی از شب را به خوردن تنقلات و گوش دادن به قصه و افسانه‌های بزرگ‌ترها سپری می‌کنند. جوانان هم با در دست داشتن ترکه‌ای بلند که کیسه‌ای به انتهای آن بسته شده است. همراه کودکان به در خانه‌ها رفته و با سر و صدا و کوبیدن چوب به در خانه‌ها و لال بازی از صاحب خانه تقاضای هدیه می‌کنند. از طرف صاحب خانه به آنها پول، میوه و شیرینی داده می‌شود. هنگامی که لال به همراه گروه خود در کوچه‌ها شروع به حرکت می‌کند این اشعار را می‌خواند:

لال بیمو، لال بیمو، پارسال و پیرار بیمو، چل بزن دیگه بزن، لال انه لالک انه، پیسه گنده خوا انه، سال و ماه ارزون نوه، لال مار رسوا نو، لال انه لالک انه، پاربوره امسال انه.

ترجمه: لال آمده، لال آمده، پارسال و امسال آمده، چرخ نخ ریسی را حرکت بده، به دیگ بزن، لال آمد، لال کوچک آمد، کسی که شیرینی پیس کنده می‌خواهد می‌آید، سال و ماه ارزان نمی‌شود، لال بزرگ رسوا نمی‌شود، لال می‌آید، لال کوچک می‌آید، پارسال رفته امسال می‌آید.

ویژگی‌های فرهنگی استان

۴- مراسم ورف چال (چاه برف): یکی از مراسم قابل توجه در ارتباط با آب در روستای اسک واقع در جاده هراز مراسم ورف چال است. این مراسم در یکی از روزهای جمعه در فاصله اول تا پانزده اردیبهشت ماه همزمان با ذوب آخرین برف‌های زمستانی برگزار می‌شود.



شکل ۱۱-۳- مراسم ورف چال

این مراسم ریشه در مبارزه با کم‌آبی برای مسافران و دام‌ها در فصل تابستان دارد. با توجه به اینکه منطقه مورد بحث در گذشته یکی از مناطق دامداری محسوب می‌شد، دامدارها برای تأمین آب مورد نیاز دام‌ها در فصل تابستان که برف‌های روی کوه آب می‌شد برف را در این چاه ذخیره می‌کردند تا در موقع کم‌آبی، آب مورد نیاز دام‌ها را تأمین کنند. امروزه منطقه مورد بحث اهمیت گذشته خود را از نظر پرورش دام از دست داده ولی این سنت قدیمی همچنان در بین اهالی محل ادامه دارد.

۵- شب یلدا: شب اول زمستان را گت چله می‌نامند در این شب بنا به سنت دیرین همه افراد خانواده دور هم جمع می‌شوند و با خوردن هندوانه، ماست، میوه و آجیل سرمای فصل زمستان را از خود دور می‌کنند. اعتقاد بر این است که با خوردن ماست یا هندوانه در شب یلدا، هرگز در زمستان سردشان نخواهد شد.

اعتقادات و باورهای عامه مردم استان مازندران

زندگی اجتماعی در هر جامعه‌ای آمیخته به باورهای عمیقی است که به زندگی مردم جهت می‌دهد. از گذشته تاکنون مردم مازندران نیز دارای باورهای خاص خود بودند و به آنها اعتقاد زیادی داشتند و هنوز هم به بسیاری از آنها عمل می‌کنند، برای نمونه به چند مورد از باورهایی از این دست اشاره می‌کنیم.



بیشتر بدانیم



- ۱- اگر داروک بخونده، گنه وارش انه.
- یعنی: اگر قورباغه سبز روی درخت بخواند، باران می آید.
- ۲- پنج شنبه نون و خرما در کامبی، تا امه مرده جه برسه.
- یعنی: پنجشنبه نان و خرما بیرون می دهیم تا ثوابش به مرده ما برسد.
- ۳- چایی دله دار دره، مهمان قد بلندانه.
- یعنی: ساقه چایی روی چای قرار گرفته، مهمان قد بلند می آید.
- ۴- خوی بد بدی، صدقه درها کن تا بدی اون خو بر طرف بوشه.
- یعنی: خواب بد دیدی صدقه بده تا بدی آن خواب بر طرف شود.

فعالیت



به نظر شما بدون اعتقاد و باور، چه آسیب هایی به زندگی فردی و اجتماعی وارد می شود؟ آیا همه باورها کاربرد دارند؟ آیا می توانید چند نمونه از این باورهای امروزی را نام ببرید؟

بیشتر بدانیم



فرهنگ تعاون و یاری گری در استان مازندران

یاری گری از ویژگی های جوامع سنتی است. تعاون و همکاری در همه ابعاد زندگی اجتماعی از ضروریات این نوع زندگی است. یاری گری معمولاً به سه شکل همکاری برون سویه (دیگریاری)، همکاری میان سویه (همیاری) و همکاری درون سویه (خودیاری) بوده است. در گذشته که جوامع دارای زندگی سنتی بودند، این فرهنگ به طور رایج و روزمره در بین اهالی یک روستا یا حتی شهر دیده می شد. مازندران از جمله مناطقی است که فرهنگ تعاون

ویژگی‌های فرهنگی استان

و یاری‌گری به‌طور عمیق در بین مردم آن وجود داشته است. این نوع همکاری بیشتر در آماده کردن زمین‌های کشاورزی برای کاشت گندم، برنج و سایر اقلام کشاورزی، در آماده کردن رودها و جوی‌ها برای آبرسانی به کشتزارها مانند لایروبی، جوی‌رویی، ساختن سد و آب‌بندها اجرای بسیاری از مراسمات خاص مذهبی مانند مراسم ماه محرم، ازدواج و عروسی، سوگواری و عزاداری مشاهده می‌شود. در همه‌جا این نوع همکاری دارای اسم خاصی بوده است که در مازندران بیشتر به نام کایر یا قرضی شناخته شده است. تصویر زیر نمونه‌ای از کاری را که با همکاری هم انجام می‌دهند، نشان داده می‌شود.



شکل ۱۲-۳- کویا، انبار شالی در مزرعه نوعی همکاری میان سویه (همیاری)

فعالیت ✓

آیا می‌توانید چند نمونه از کارهایی را که با فرهنگ یاری‌گری در استان، شهر و یا روستای شما صورت می‌گرفت، نام ببرید.

آیا در جوامع و زندگی امروزی هم فرهنگ یاری‌گری کاربرد دارد؟